۱۶ آذر به روایت روزنامه‌های سال ۳۲

مرور حادثه‌ای که در ۱۶ آذر ۳۲ در دانشگاه فنی تهران رخ داد را خیلی نمی‌توان در روزنامه‌های کم‌شمار آن دوران جست‌وجو کرد. کودتای ۲۸ مرداد آن سال، رمق را از فضای سیاسی و نشریات آن روزگار گرفته بود. بااین‌حال، روزنامه اطلاعات سعی کرده بود خبرهای آن اتفاق را هر چند کم‌رنگ، پوشش دهد. در این گزارش، سه شماره از این روزنامه بررسی شده است.

دوشنبه ۱۶ آذر ۳۲

حکومت و دولت ایران در تدارک حضور معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در تهران هستند؛ اما هنوز ریچارد نیکسون در کابل، پایتخت افغانستان، است. روزنامه اطلاعات تیتر صفحه اول خود را به اظهارات سخنگوی وزارت خارجه انگلیس اختصاص داده که گفته بود: کاردار سفارت انگلیس و عده معدود دیگری، به‌زودی از لندن به تهران رهسپار خواهند شد؛ اما در گزارشی با تیتر «بر اثر تیراندازی مأموران انتظامی، سه نفر از دانشجویان مجروح شدند» که در صفحه دهم این روزنامه آمده است، به ماجرای حادثه دانشگاه اشاره کرده و این‌گونه نوشته:

«مقارن ساعت ده و ربع بامداد امروز، از طرف عده‌ای از دانشجویان تظاهراتی در دانشگاه علوم صورت گرفت که بلافاصله مأموران فرمانداری نظامی، متظاهرین را متفرق ساختند و سیزده نفر از دانشجویان را دستگیر کردند. پس از آن، در حوالی دانشکده فنی نیز از طرف چند نفر از دانشجویان منتسب به احزاب چپ، تظاهراتی انجام شد و چون تظاهرکنندگان با اخطارهای مأموران انتظامی متفرق نشدند و در برابر مأموران مقاومت می‌کردند، بر اثر تیراندازی مأموران سه نفر مجروح شدند و هفده نفر هم دستگیر گردیدند. گلوله به سینه و ران مجروح‌شدگان اصابت کرده و جمعا ۳۰ نفر در دانشگاه دستگیر شده‌اند. پس از تظاهرات مزبور، وضع دانشگاه آرام گردید و مأموران انتظامی بر اوضاع آنجا مسلط شدند. یک مقام مسئول فرمانداری نظامی تهران درباره تظاهرات امروز به خبرنگار ما اظهار کرد: امروز عده‌ای از عناصر اخلالگر که منتسب به حزب منحله توده بودند، به دانشگاه رفته و عده‌ای از دانشجویان را مجبور به تظاهرات نمودند و در حال دسته‌جمعی به مأموران فرمانداری نظامی محافظ دانشگاه که مسلط بر اوضاع بودند، حمله کرده، قصد ربودن اسلحه آنها را داشتند و مأموران نیز اقدام به تیراندازی نمودند. مجروحان به بیمارستان شماره دو ارتش اعزام و در آنجا بستری شده‌اند». در ادامه این گزارش، با میان‌تیتر «فوت دو نفر از مجروحان» آمده است:

«ساعت دو بعدازظهر امروز، خبرنگار ما به بیمارستان شماره دو ارتش مراجعه کرد و اطلاع یافت که دو نفر از مجروحان حادثه امروز دانشگاه، آقایان مصطفی بزرگ‌نیا و شریعت‌رضوی، در اثر اصابت گلوله به ناحیه ریه و سینه و خون‌ریزی شدید، فوت کرده‌اند. جنازه مقتولان ساعت دو و ده دقیقه بعدازظهر برای تعیین علت مرگ به اداره پزشکی‌قانونی منتقل گردید. آقای احمد قندچی، یکی دیگر از مجروحان که اینک در بیمارستان بستری می‌باشد، حالش خطرناک است و به‌طوری‌که پزشکان معالج اظهار می‌دارند، امید بهبودی وی نیز کم است». در این گزارش، حال‌وهوای دبیرستان دارالفنون و بازار هم بیان شده است:

«ساعت ۱۰ صبح امروز، ناگهان در حیاط دبیرستان دارالفنون بین عده‌ای از دانشجویان گفت‌وگویی شروع شد که منجر به تظاهرات گردید و از طرف اولیای دبیرستان مراتب به فرمانداری نظامی اطلاع داده شد و عده‌ای مأمور به محل دبیرستان رفته، انتظامات را برقرار نمودند و چهار نفر را به عنوان محرک این اغتشاش، دستگیر و به فرمانداری نظامی جلب کردند. صبح امروز، ناگهان در انتهای بازار کفاش‌ها اغتشاشی رخ داد و بلافاصله مأموران کلانتری هشت به محل رسیده، ملاحظه کردند که روباهی از اواسط (بازار) به طرف سبزه‌میدان می‌دود و ازدحام اشخاص متفرقه برای تماشای روباه می‌باشد. پس از تحقیقات معلوم شد روباه متعلق به علی نظری است که بدین‌وسیله قصد داشته نظم بازار را مختل سازد. صاحب روباه فورا به‌وسیله مأموران کلانتری هشت دستگیر و به فرمانداری نظامی فرستاده شد».

ساعت دو بعدازظهر امروز، خبرنگار ما به بیمارستان شماره دو ارتش مراجعه کرد و اطلاع یافت که دو نفر از مجروحان حادثه امروز دانشگاه، آقایان مصطفی بزرگ‌نیا و شریعت‌رضوی، در اثر اصابت گلوله به ناحیه ریه و سینه و خون‌ریزی شدید، فوت کرده‌اند

در پایین این گزارش هم اعلامیه فرمانداری نظامی چاپ شده است:

«چند روزی است که مجددا تحریکاتی به‌وسیله عناصر اخلالگر و افراطی و نیز اشخاصی که محیط آرام را برای اجرای مقاصد شوم و خائنانه خود مساعد نمی‌دانند، شروع گردیده و به‌خصوص با اغفال دانشجویان و دانش‌آموزان بی‌گناه دست به تظاهرات و اعمال خلاف قانون و مقررات می‌زنند. همان‌طوری که طی اعلامیه‌های متعدد، فرمانداری نظامی به اطلاع عموم اهالی رسانیده است، سوابق فعالیت‌های خائنانه و ننگین این قبیل مردمان خائن و بی‌وطن برای مأموران انتظامی روشن و فرمانداری نظامی به کلیه جزئیات اعمال و رفتار آنها وقوف کامل دارد؛ چون فرمانداری نظامی نمی‌تواند شاهد و ناظر لجام‌گسیختگی این عده اشخاص آشوبگر و بی‌وطن باشد، لذا مؤکدا به مأموران انتظامی دستور داده شده است که با مسببین اخلال و بی‌نظامی، طبق قانون رفتار نموده و هر کسی که کوچک‌ترین عملی برخلاف مقررات فرمانداری نظامی نمود، فورا دستگیر و جهت کیفر قانونی به دادسرای نظامی اعزام و در صورت لزوم به یکی از نقاط بد آب‌وهوای جنوب تبعید گردد».

سه‌شنبه هفدهم آذر ۳۲

در این روز، اطلاعات در مهم‌ترین تیتر خود اعلام می‌کند که «نیکسون فردا وارد تهران می‌شود». در خبر آن هم آمده است: «ریچارد نیکسون، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، به اتفاق همسر و همچنین آقای هندرسن، سفیرکبیر آمریکا در ایران، فردا ظهر به تهران خواهند آمد و یک ناهار خصوصی و یک شام رسمی را در پیشگاه همایونی صرف خواهند کرد».

این روزنامه خبر اتفاقات دانشگاه را هم به صفحه ۱۲ برده و این تیتر را انتخاب کرده است: «یکی دیگر از مجروحین واقعه دیروز دانشگاه درگذشت». در این خبر آمده است:

«دو نفر از مجروحین دیروز فوت کردند که جنازه‌های آنان پس از انجام تشریفات قانونی به خاک سپرده شد و مجروحی که امروز فوت کرد، احمد قندچی نام داشت و جنازه وی را از بیمارستان به اداره پزشکی‌قانونی حمل کردند و پس از معاینه جسد و تشخیص علت فوت، جنازه به کسان فرد تحویل گردید که برای دفن اقدام کنند». گزارش پزشکی‌قانونی از معاینه پیکرهای بزرگ‌نیا، شریعت‌رضوی و قندچی هم به این شرح منتشر شده است:

۱ـ مصطفی بزرگ‌نیا دانشجوی دانشکده فنی بر اثر یک گلوله که از طرف راست سینه وارد شده و از زیر بغل چپ او خارج گردیده فوت کرده است. بر اثر این گلوله استخوان بازوی وی به‌کلی خرد شده و خون‌ریزی زیاد باعث مرگ وی گردیده است. بر پشت شانه راست مقتول نیز اثر زخم سرنیزه دیده می‌شود که تا ۱۵ سانتی‌متر زیر پوست فرو رفته بود.

۲ـ شریعت‌رضوی دانشجوی مقتول دیگر فقط به علت زخم سرنیزه فوت کرده است. سرنیزه استخوان ران راست وی را به‌کلی خرد کرده و شریان‌ها را پاره نموده و در نتیجه خون‌ریزی زیاد مجروح درگذشته است. یک گلوله نیز به دست راست وی اصابت کرده که جلدی بوده و نمی‌توانسته باعث مرگ باشد.

۳ـ مقتول دیگر احمد قندچی نام دارد و به علت اصابت گلوله‌ای که وارد شکم وی گردیده و احشا داخلی را پاره نموده درگذشته است.

دیروز و امروز اداره پزشکی‌قانونی با حضور نماینده دادسرای نظامی اجساد را معاینه کرد؛ ولی هنوز گزارش رسمی در این زمینه تهیه نگردیده است».

پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۳۲

سه روز بعد، روزنامه اطلاعات با چاپ عکسی از دست‌دادن محمدرضا پهلوی و ریچارد نیکسون این تیتر را از سخنان معاون رئیس‌جمهور آمریکا که برای آمریکایی‌های مقیم ایران نطق کرده بود، انتخاب کرد: «دولت آمریکا به استقلال و آزادی ایران علاقه دارد».

در پایین همین صفحه هم، اعلامیه دولت و دانشگاه درباره حادثه دانشگاه منتشر شده است که عنوان شده است دانشجویانی که در واقعه دانشگاه دستگیر شده بودند، آزاد شدند.

همچنین هیأت مأمور بررسی واقعه ۱۶ آذر، گزارشی به دکتر سیاسی، رئیس وقت دانشگاه تهران نوشت که روزنامه اطلاعات آن را منتشر کرد. در این گزارش آمده است:

مقارن ساعت نه‌ونیم روز ۱۶ آذرماه عده‌ای از دانشجویان دانشکده فنی در کریدور دانشکده ایستاده و مشغول گفت‌وشنود بودند. در این ضمن دو نفر از دانشجویان از پشت پنجره دو نفر از مأموران انتظامی را که در بیرون دانشکده فنی مشغول گشت بودند، تمسخر نمودند. مأموران از این جریان عصبانی شده و به وسیله سرگروهبان خود درصدد تعقیب دانشجویان برآمده و دانشجویان نیز از موقعیت تشکیل کلاس‌ها استفاده کرده و در کلاس می‌روند. مأموران هم به دنبال آنان وارد کلاس شده و خواستار تحویل آنان می‌شوند. در این موقع وضع کلاس و دانشکده متشنج شده، از طرف اولیای دانشگاه زنگ زده می‌شود و مأموران دو نفر دانشجوی مورد نظر را دستگیر و مضروب می‌نمایند. در این موقع که کلیه دانشجویان در کریدور طبقه اول دانشکده اجتماع نموده بودند، از مأموران انتظامی وارد می‌شوند. یک بار دانشجویان شعار می‌دهند، چون مأموران درصدد متفرق‌کردن دانشجویان برمی‌آیند، دانشجویان به طرف دیگر کریدور فرار می‌کنند. در این موقع از آن سمت چند سرباز مسلح به مسلسل دستی با دانشجویان برخورد می‌کنند و سربازان که دچار وحشت شده بودند، شروع به تیراندازی می‌نمایند که در نتیجه آن سه نفر مقتول و عده‌ای مجروح می‌شوند.

اما اطلاعات با پرداخت کم‌رنگ به این واقعه، در مقاله‌ای با عنوان «میهمان عالی‌قدر»، این‌گونه به تعریف و تمجید از ریچارد نیکسون می‌پردازد: این روزها شاهنشاه ما میهمان عزیزی دارند که علاوه بر سمت رسمی یکی از شخصیت‌های محبوب آمریکا می‌باشد. نیکسون ۴۴ سال دارد، قیافه باز و جذابی دارد، مثل بیشتر آمریکایی‌ها شوخ و بانشاط است، در برخوردهای خود می‌گوید و می‌خندد و گاهی با دوستان خود دست به گردن می‌شود و زمانی دست روی شانه مخاطب می‌گذارد. گاهی دست خود را گره می‌کند و با خنده وضع بوکس به خود می‌گیرد، این وضع اخلاقی و روحیه بشاش و خندان او دیروز هنگامی که با آمریکایی‌های مقیم تهران روبه‌رو گردید و معرفی انجام می‌شد، از وی ظاهر شد. نیکسون پس از پایان جنگ بین‌الملل دوم به عضویت کمیسیون اعزامی کمک‌های خارجی آمریکا انتخاب شد و به اروپا رفت. وی چندی درباره شرایط اقتصادی اروپا مطالعه نمود و وقتی به آمریکا بازگشت، مقدمات اجرای برنامه مارشال را که در احیای اقتصاد اروپا نقش عمده‌ای در سال‌های بعد بازی کرد، تهیه نمود. وی طرفدار جدی ادامه و توسعه برنامه کمک به کشورهای خارجی است و در این راه خدمات شایسته‌ای انجام داده و پیوسته در مجلسین آمریکا از این نظر طرفداری کرده است. نیکسون به واسطه خدمات برجسته‌ای که انجام داده، در سال ۱۹۴۸ از طرف اتاق تجارت آمریکا به‌عنوان یکی از ۱۰ مرد برجسته و خدمتگزار آمریکا معرفی گردید و در سال ۱۹۵۰ به عضویت سنا برگزیده شد و جوان‌ترین عضو مجلس سنای آمریکا بود؛ بنابراین میهمان ارجمند ما صرف‌نظر از مقام نیابت ریاست‌جمهوری آمریکا دارای موقعیت ممتاز و محبوبیتی خاص می‌باشد و ما امیدواریم توقف کوتاه ایشان در تهران متضمن فواید بی‌شماری در تشبیه روابط دوستانه میان ملتین ایران و آمریکا باشد. به او خوش بگذرد و خاطرات خوبی را از ایران همراه خود ببرد.

ادامه از صفحه ۶

آیت‌الله خامنه‌ای فضای دانشگاه را بازکرد

شما را احضار نکردند؟

نه، ولی آقای مرعشی یک کار قشنگ انجام داد. آقای مرعشی من را دعوت کرد دفتر رئیس‌جمهور، فکر کنم تازه رئیس دفتر شده بود، به‌هرحال رفتم دفتر رئیس‌جمهور در همین خیابان پاستور، البته تنها نرفتم، با داوود سلیمانی و حسین مظفری که از اعضای شورای تحکیم وحدت بودند رفتیم. چون آن‌موقع برای ما خوب نبود که به آقای هاشمی نزدیک شویم؛ یعنی من نگران بودم که دوستان خود ما به من انتقاد کنند که چرا رفتی دفتر آقای هاشمی. آقای مرعشی درباره صحبت‌هایی که من کرده بودم یک ساعت برایمان توضیح داد و برخورد خوبی داشت؛ یعنی تلاش کرد به‌جای اینکه با ما برخورد کند، ما را توجیه کند؛ که خیلی روش شایسته‌ای بود. ما هم خیلی مسائل را که نمی‌دانستیم متوجه شدیم.

نقش دانشجویان در تحولات سیاسی آن زمان چگونه بود؟

فکر کنم سال ۷۲ بود که شورای هماهنگی گروه‌های خط امام درست شد. این شورا به همت سازمان مجاهدین انقلاب شکل گرفت. از گروه‌های خط امامی برای شرکت در این شورا دعوت شد مثل انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی مهندسین، انجمن اسلامی جامعه پزشکی، دفتر تحکیم وحدت و بعدا فراکسیون خط امام مجلس پنجم که رئیسش آقای نوری بود. اینها با هم هم‌فکری می‌کردند. دفتر تحکیم وحدت یکی از اعضای این مجموعه بود. ابتدا من و دکتر مهدوی و پس از مدتی من و دکتر معین به عنوان نمایندگان انجمن اسلامی جامعه پزشکی در آن جلسات شرکت می‌کردیم.

شورای هماهنگی گروه‌های خط امام چه نقشی داشت؟

شورای هماهنگی گروه‌های خط امام که تحکیم هم قسمتی از آنها بود برای مجلس پنجم فهرست دادند، مجمع روحانیون در آن انتخابات فهرست نداد. می‌توان گفت نقش‌آفرینی مجدد دفتر تحکیم در همین انتخابات مجلس و از سال ۷۴ شروع شد. همیشه این ظرفیت در دانشگاه بود که هرگونه برنامه سیاسی و تجمعی که در سطح جامعه می‌خواست برگزار شود، دانشگاه به خاطر شرایطی که داشت مورد توجه قرار می‌گرفت.

نشریات دانشجویی زمان هاشمی چگونه بودند؟

نشریات دانشجویی وجود داشت. در دوره‌ای فعالیت‌های دانشجویی خیلی افت کرد، نشریات هم خیلی کم شدند. به نوعی که نشریه «دانشجوی بسیجی» که از سوی طبرزدی منتشر می‌شد، آن زمان شروع کرد به انتقاد از هاشمی و به‌همین‌دلیل پرتیراژترین نشریه شد.

نشریات انجمن اسلامی و دفتر تحکیم وحدت چطور؟

دفتر تحکیم در دوره مجلس سوم نشریه‌ای داشت به عنوان «دانشجوی خط امام» که فصلی بود، یعنی موقع انتخابات سه یا چهار شماره می‌داد بعد می‌رفت تا انتخابات یا رویداد بعدی.

تشکل‌های دانشجویی مستقل عمل می‌کردند یا آمرانه؟

نه، انجمن‌های اسلامی دانشجویان در هیچ دوره‌ای امرپذیر نبودند.

یعنی زمان هاشمی هم این‌گونه بود؟

انجمن‌های اسلامی دانشجویان ممکن بود فعالیتشان کم شود ولی هیچ‌وقت سفارشی کار نمی‌کردند.

تحکیم وحدت هم همین‌طور بود؟

بله، تحکیم وحدت هم همین‌طور بود. زمان جنگ که عراق از موشک‌های روسی برای حمله به شهرهای ایران استفاده می‌کرد، دفتر تحکیم تصمیم گرفت که راهپیمایی ۱۳ آبان را برای اعتراض به سمت سفارت شوروی هدایت کند. دولت آقای مهندس موسوی احساس کرده بود که این کار ممکن است در آن شرایط چندان مطلوب نباشد؛ بنابراین خیلی دنبال یکی از اعضای تحکیم وحدت گشته بودند تا از آنها درخواست کنند از این کار منصرف شوند. می‌خواهم بگویم با اینکه تحکیم خیلی اقتدار داشت ولی اعضای شورای مرکزی هیچ‌کدام به اسم شناخته نمی‌شدند.

آیا دانشجویانی که وارد تشکل می‌شوند یا می‌شدند، این تشکل‌ها را نردبانی برای ترقی خود قرار می‌دهند؟

تا زمانی که فضای جنگ بود در مخیله هیچ‌کس نمی‌گنجید که بناست از اینجا به جایی برسد یا منفعتی گیرش بیاید. من می‌توانم بگویم اولین رگه‌اش بعدها از کجا آمد.

از کجا آمد؟

از یکی از شهرستان‌ها یکی آمد عضو شورای مرکز تحکیم شد و شروع کرد به لابی؛ تا قبل از آن لابی معنی نداشت، هیچ‌وقت با مراکز قدرت رفت‌وآمدی نداشتیم. من به عنوان فعال دانشجویی هیچ وقت به مجلس نرفته بودم. می‌خواهم بگویم من با اینکه تمام طول دوران دانشجویی‌ام فعال بودم، عضو شورای مرکزی دانشگاه یا دفتر تحکیم بودم اما به چنین جاهایی نمی‌رفتم. جریانی نبود که کسی بخواهد برای اینکه خودش به جایی برسد چنین رفت‌وآمدها و ارتباطاتی داشته باشد؛ ولی بعدها کم‌کم این مسئله پیدا شد؛ ولی همیشه کم‌رنگ بوده تا بعد در دوره اصلاحات که آفت‌های جدیدی گریبان‌گیر جنبش دانشجویی شد.

روزنه

مصطفی معین:

هاشمی متحول شده اما پدر اصلاح‌طلبان نیست

ایلنا: مصطفی معین که در جلسه بزرگداشت روز دانشجوی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان شرکت کرده بود، در پاسخ به سؤال دانشجویی که از او پرسید آیا شما رهبر فکری خود را هاشمی‌رفسنجانی می‌دانید؟ گفت: من از هیچ طیفی نمایندگی نمی‌کنم، فقط می‌دانم که قشر دانشجو باید پیشتاز باشد و اصلاح‌طلبان هم همین نظر را دارند. دانشجویان ما سالیان‌سال است که پیاده‌نظام یک حزب سیاسی نیستند، هرچند که حزب هم نداریم. من از آقای هاشمی انتقاد جدی نکردم. هاشمی در دیدگاه‌های سیاسی‌اش تحول ایجاد شده است و پدر فکری بنده یا اصلاح‌طلبان هم نیست. ایشان جزء استوانه‌های انقلاب بودند، هرچند که با هاشمی‌رفسنجانی در برخی جهات اختلاف‌نظر دارم. او همچنین در سخنرانی خود در این مراسم گفت: ۱۶ آذر نماد آرمان‌خواهی جنبش دانشجویی است و نقش سرنوشت‌سازی در ۷۰ سال گذشته داشته است. او افزود: جنبش دانشجویی ایران پایدارترین و پویاترین جنبش اجتماعی ایران است و در همه مقاطع سرنوشت‌ساز بوده است، به‌طوری‌که بعد از انقلاب، در جنگ تحمیلی و بازسازی کشور و در سال ۸۸ و انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. او افزود: منتها در کشورهای جهان‌سوم به دلیل پویانبودن نهادهای مدنی و آزادنبودن مطبوعات، جنبش دانشجویی با مشکلات زیادی مواجه است، اما خوشبختانه در ایران این جنبش پویا و فعال است و نقشی فرمایشی ندارد. او درهمین‌خصوص گفت: همان‌طور که می‌دانید، دین مبین اسلام بر عدالت تأکید زیادی دارد، به‌گونه‌ای که همه باید از حقوق برابر برخوردار باشند و شهروند درجه یک و دو نداریم؛ چراکه همه حقوق برابر دارند. معین در تبیین نسبت عدالت با آزادی گفت: عدالت و آزادی لازم و ملزوم یکدیگر هستند، به این معنا که اگر عدالت نباشد، آزادی هم نیست و اگر آزادی نباشد، عدالت هم موجودیت ندارد. پس هیچ‌کدام از این دو واژه بر یکدیگر مقدم نیست. وزیر علوم دولت‌های اصلاحات و سازندگی گفت: حق گرفتنی است و نه دادنی، حق یک چیز ذاتی است. انسانی که از آگاهی برخوردار باشد، به‌دنبال حقوق خود می‌رود. آیا در جامعه ما این رویه وجود دارد؟

ادامه در صفحه ۱۹